

دعای عرفه منشور جاویدان توحید

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

عرفه روز دعا و روز نیایش و مناجات با پروردگار عالمیان است، دعائی که طبق فرموده علی (علیه السلام) همه هستی انسانهاست. اساساً انسان از خودش چیزی ندارد و در این عالم او فقط مالک دعاست. علی (علیه السلام) با اشاره به این معنی در دعای کمیل می فرماید: «یا سَرِیعَ الرِّضَا إِغْفِرْ لِمَنْ لَا یَمْلِکُ إِلَّا الدُّعَاءُ؛ (1) دعا تنها وسیله و ابزار در دست انسان است و او با همین سلاح می تواند به خواسته هایش برسد که همان سلاح انبیاء است.» امام رضا (علیه السلام) فرمود: «عَلَّیْکُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِیَاءِ؛ (2) بر شما باد که خود را به سلاح انبیاء مجهز کنید» و توضیح می داد که آن سلاح همان دعاست. امام حسین (علیه السلام) ناتوانترین مردم را کسی می داند که از دعا کردن عاجز باشد و می فرماید: «أَعْجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ مِنَ الدُّعَاءِ؛ (3) به همین جهت در روز عرفه گرچه روزه گرفتن مستحب است اما به خاطر اهمیت آن فرموده اند که اگر روزه موجب ضعف می شود و از دعا کردن باز می دارد دعا خواندن بر روزه تقدم دارد.» (4)

یکی از زیباترین و شیرینترین دعاها مناجات امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه می باشد. آن حضرت در این دعای پرمحتوا و شیوا که در عصر روز عرفه و مناسبترین وقت دعا عرضه شده است، عالی ترین مضامین توحیدی را در قالب کلماتی دلنشین بیان می کند. روح عرفان و معرفت در عرصه توحید الهی در فرازهای مختلف این دعا موج می زند و سالکان راه حقیقت را در طی مراحل سیر و سلوک استوارتر، مصمم تر و مشتاق تر می سازد. امام حسین (علیه السلام) این مناجات عاشقانه را در فضائی معنوی و در کنار کعبه مقدس ترین جایگاه مسلمانان و

با دلی پرسوز و چشمانی اشکبار قرائت کرده و به عنوان منشور جاویدان توحید برای اهل ایمان به یادگار گذاشته است.

به حقیقت می توان گفت که اگر از آن بزرگوار به غیر از همین مناجات سخن دیگری برای رسیدن به حق و معرفت الهی به جای نمانده بود اهل عرفان و ایمان را همین کلمات عارفانه و حیاتبخش بس بود در حالی که دعای عرفه بخش اندکی از معارف بلند و اندیشه های عبادی، عرفانی، اجتماعی و سیاسی حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) را به پیروان حقیقت جوی آن حضرت ارائه می کند.

آیت الله جوادی آملی در مورد این دعای دلنشین و انسان ساز می نویسد: مهمترین نیایشی که جنبه سیاسی، عبادی حج و زیارت را به خوبی تبیین می کند دعای عرفه عارف معروف در بین اهل معرفت و سیر شاهدان کوی شهود و شهادت، سالار جانبازان میدان نبرد توحید علیه طاغوت، و سرور پاکان و آزادگان، در ساحت فضیلت حضرت حسین بن علی (علیه السلام) است. این دعا هم دستور کفر ستیزی و راه طاغوت زدایی و رسم سلحشوری و سنت سرکوبی جنایتکاران را ارائه می کند و هم ستایش حکومت اسلامی و تقدیر دولت مکتبی و ظهور ولایت الهی را نشان می دهد و هم تجلی هستی و ذات اقدس خداوند و ظهور گسترده و همه جانبه آن ذات مقدس و خفای هرچه غیر اوست در پرتو نور او و پی بردن به او از خود او به غیر او بها ندادن و غیر او را به او شناختن و ذاتش را عین شهود و مستغنی از استشهاد دانستن را تفهیم می کند. (5)

با توجه به اهمیت این مناجات توحیدی در این نوشتار به بررسی فرازهایی از آن می پردازیم.

فرجام ستمگران

امام در نخستین فرازهای دعا بعد از حمد و ثنای الهی و شمارش صفات جمیل حضرت حق می فرماید: «هو للّدّعات سامعٌ و للکربات دافعٌ و للدرجات رافعٌ و للجبابرة قامعٌ فلا اله غیره؛ او نیایش دعا کنندگان را می شنود و گرفتاری هایشان را رفع می کند و درجات آن را بالا می برد و جبّاران و ستم گران را ریشه کن و سرکوب می سازد چرا که هیچ معبود حقی به غیر از او نیست.»

حضرت ابا عبدالله ستم گران را به عنوان مهمترین مانع راه سعادت و توحید بیان می کند و تا فرهنگ ظلم و ستم و قدرت بیداد حاکم باشد مردم نخواهند توانست به سوی کمال قدم بردارند. برای همین یکی از سنت های الهی در طول تاریخ مجازات ستم پیشه گان بوده است. قرآن در این زمینه می فرماید: «فَلَمَّا نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ؛ (6) هنگامی که «ستمگران نعمت ها و اندرزهای ما را» فراموش کردند ما نخست درهای نعمت را به رویشان گشودیم و آنان کاملاً خوشحال شده (و به آن دل بستند) اما ناگهان (حال) آنها را گرفتیم و همگی مأیوس و ناامید شدند. «فَقَطَّعَ دَائِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا؛ (7) و به این ترتیب دنباله زندگی ستم پیشگان بریده شد.» به گفته صائب تبریزی:

ظالم به ظلم خویش گرفتار می شود | از پیچ و تاب نیست رهائی کمند را

شوق و افتخار به مقام بندگی

سعدی تو کیستی که دم دوستی زنی	دعوی بندگی کن و اقرار چاکری
-------------------------------	-----------------------------

بی تردید اگر انسانها مقام و موقعیت خویش را در برابر آفریدگار هستی دریابند و با کمال بندگی به آن اعتراف کنند هرگز از موازین و حدود الهی پافراتر نخواهند گذاشت و به حقوق دیگران نیز بی اعتنائی نخواهند کرد شناخت مقام عبودیت در مقابل حضرت رب الارباب و رعایت حدود آن بنده را به مقامات عالی انسانی نائل کرده و او را به اوج افتخار خواهد رسانید.

گر تو خواهی حری و آزادگی	بندگی کن بندگی کن بندگی
از خودی بگذر که تا یابی خدا	فانی حق شو که تا یابی بقا

حضرت امام حسین (علیه السلام) در بخش دیگری می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَ أَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقَرَّراً بِأَنَّكَ رَبِّي وَ إِلَيْكَ مَرَدِّي ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً؛ خداوندا! من مشتاق تو هستم و به ربوبیت تو گواهی می دهم بارالها! من اقرار می کنم که تو پروردگار منی و بازگشت من به سوی تو خواهد بود. خداوندا (تو آنقدر مهربان و رؤوف هستی که) قبل از آنکه من چیزی قابل ذکر باشم مرا نعمت وجود و هستی بخشیدی!». حضرت علی (علیه السلام) نیز در این زمینه مقام بندگی را تبیین کرده و آنرا بالاترین افتخار انسانی قلمداد می کند و می فرماید: «إِلَهِي! كَفَى لِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا؛ (8) خدایا این عزت و شکوه مرا بس که عبد تو باشم و این افتخار و سعادت مرا کافی است که تو پروردگار من باشی».

سپاس از فضای توحیدی

امام حسین (علیه السلام) از والاترین نعمت های الهی پرورش در فضای عطرآگین توحیدی و حکومت الهی می شمارد. چرا که یکی از مؤثرترین عوامل تربیتی و تأثیرگذار در شخصیت انسانی محیط و جامعه ایست که در آن گام می نهد. هر فردی که در خانواده ای و محیطی سالم به دنیا آمده و پرورش می یابد شایسته است که اولاً از خداوند متعال و ثانیاً از والدین و دست اندرکاران و مربیان و عوامل به وجود آورنده چنین جامعه و فضای سالم سپاسگزار و ممنون باشد. چرا که اگر این بستر مناسب برای رشد صحیح شخصیت انسان ها فراهم نمی شد معلوم نبود که سرنوشت آنان چگونه بوده و به کجا منتهی می گشت. به همین جهت انسانهای حق شناس

همواره از خداوند متعال و پدر و مادر و مربیان و عواملی که موجب شده اند آنان در فضائی آکنده از کمالات و معنویات رشد یافته و نفس بکشند شکرگزاری می کنند. حضرت با تبیین این واقعیت می فرماید: «لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَ لُطْفِكَ لِي وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوَلِهِ أَيَّامِ الْكُفْرِهِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي رَأْفَةً مِنْكَ وَ تَحَنُّناً عَلَيَّ لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى؛ بارالها! از نشانه های لطف و احسان تو بر من اینکه مرا در فضای حکومت سردمداران کفر و شرک به دنیا نیاوردی آنانکه عهد تو را شکسته و پیامبرانت را تکذیب کردند بلکه مرا در عصر هدایت و روزگار معرفت (توسط پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله) به وجود آوردی!».

نعمت های بی شمار

سپاس و شکر به درگاه حضرت حق از جمله خصلت های اولیاء الهی و بندگان شایسته است. پیشوای سوم در مقام سپاس و قدردانی از نعمتهای فراوان الهی می فرماید: «إِلَهِي أَحْصِي عَدَدًا وَذِكْرًا أَمْ آيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ؛ بارالها! کدامیک از نعمت های فراوان ترا می شود ذکر کرده و به شمار آورد. یا کدامیک از بخششها و عطایای بی حد ترا می شود سپاس گفت در حالی که حساب آنان از دست حسابگران و آمار نگاران بیرون است.» امام در فراز دیگری به ناتوانی بندگان در ادای شکر و سپاس الهی پرداخته و عرضه می دارد: «لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ، لَوْ عَمَّرْتُهَا أَنْ أُودِيَ شُكْرُ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنْكَ، الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهٍ شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا؛ خداوند! اگر من در طول عصرها و قرنهای عمری داشته باشم و تلاش کنم که شکر یکی از نعمتهایت را بجای آورم نخواهم توانست مگر به عنایت و فضل تو که آن هم نیز شکری جدید لازم دارد.» و سعدی این مضمون را چه زیبا سروده است:

فضل خدای را که تواند شمار کرد؟	یا کیست؟ آنکه شکر یکی از هزار کرد؟
آن صانع قدیم که بر فرش کاینات	چندین هزار صورت الوان نگار کرد
ترکیب آسمان و طلوع ستارگان	از بهر عبرت نظر هوشیار کرد
بحر آفرید و بر و درختان و آدمی	خورشید و ماه و انجم و لیل و نهار کرد
الوان نعمتی که شاید سپاس گفت	اسباب راحتی که شاید شمار کرد
آثار رحمتی که جهان سر بسر گرفت	ما را به حسن عاقبت امیدوار کرد
چندین هزار منظر زیبا بیافرید	تا کیست کو نظر ز سر اعتبار کرد
شکر کدام فضل بجای آورد کسی؟	حیران بماند هرکه در این افتکار کرد
توحید گوی او نه بنی آدمند و بس	هر بلبلی که زمزمه برشاخسار کرد (9)

خواسته های حیاتبخش

امام بعد از اشاره به نعمتهای بی حد و حصر الهی و ناتوانی بندگان در شکرگزاری از آن به درخواست های مشروع خویش پرداخته و شیوه دعا کردن و از خدا خواستن را به ما می آموزد. مقام خشوع و خضوع در مقابل حق، سعادت و نیک بختی بر اساس تقوا و طاعت، سرنوشت مبارک و خوشایند، کسب رضایت حق، غنای در نفس، یقین قلبی، اخلاص در عمل، روشنائی و بینائی بصیرت در دین، بهره مندی از اعضا و جوارح، یاری در مقابل ستم گران، پیروزی بر دشمنان و اجابت دعاها بعنوان چشم روشنی، رفع غم و غصه، پوشیدن عیبه، بخشش گناهان، خوارکردن وسوسه گران و شیاطین، آزادی ذمه از حقوق دیگران، عطای بهترین و عالیترین درجه اخروی و دنیوی بخشی از خواسته های حضرت اباعبدالله (علیه السلام) از درگاه حضرت پروردگار در این دعا می باشد.

حضرت در این فرازهای از دعای عرفه علاوه بر چگونه خواستن و چه چیزهایی را از خدا خواستن، به ما می فهماند که آنچه را که نیاز دارید از درگاه ربوبی بخواهید به زبان بیاورید چرا که این از شرایط و آداب دعا است و به اجابت نزدیکتر می باشد. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَعْلَمُ مَا يُرِيدُ الْعَبْدُ إِذَا دَعَا وَ لَكِنَّهُ يُجِيبُ أَنْ تُبْتَ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ فَإِذَا دَعَوْتَ فَسَمِّ حَاجَتَكَ؛ (10) خداوند تبارک و تعالی آنچه را که در دل دارید می داند اما دوست دارد که آنرا بر زبان بیاورید و نیازهایتان را به درگاهش اطلاع دهید. پس هرگاه دعا می کنید نیازها و خواسته های خود را یک به یک بشمارید».

در اوج عرفان

امام در این مناجات آن چنان عاشقانه و عارفانه سخن می گوید که دل هر حقیقت جوی عارف را به شوق آورده و به سوی خداوند جلب می کند. آن حضرت با زیباترین واژه های انسانی راز و نیاز می کند و عالیترین ارتباط عرفانی را به نمایش می گذارد: «أَيُّكُونُ لِيُغَيِّرَكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ مَتَى غِبْتَ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ وَمَتَى بَعْدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْآثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ؟ (11)؛ معبودا! آیا برای غیر تو ظهوری هست که برای تو نیست تا آن تو را آشکار و ظاهر سازد؟ خدایا! تو کی غائب بوده ای که تا نیاز به راهنما و دلیلی باشد که به سوی تو رهنمون گردد؟ و کی دور بوده ای تا نشانه ها و آثار بندگان را به تو رساند؟».

کی رفته ای زدل که تمنا کنم ترا	کی گشته ای نهفته که پیدا کنم ترا
غایت نگشته ای که شوم طالب حضور	پنهان نبوده ای که هویدا کنم ترا
باصد هزار جلوه برون آمدی که من	با صد هزار دیده تماشا کنم ترا

امام در این فراز معرفت و رسیدن به خدا را بوسیله ذات مقدّسش بیان می کند و برهان صدیقین را به انسان های خداجوی و حکمای سعادت طلب آموزش می دهد. و این همان از خدا به خدا رسیدن است و مقام سلوک و وصول و شهود ورود به وادی ایمن الهی را به سالکان حقیقت نشان می دهد امام سجاد (علیه السلام) نیز با اشاره به این سخن در دعای ابوحمزه ثمالی می فرماید: «وَ أَنْتَ لَا تَحْتَاجُ عَن خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْبِبَهُمُ الْأَعْمَالُ

السَّيِّئَةُ دُونَكَ؛ (12) خدایا! تو از مردم پنهان نیستی اعمال و آرزوها آنان را از تو جدا کرده است».

پی نوشت ها :

1. مصباح المتهجد، ص 850.
 2. الدعوات راوندی، ص 18.
 3. بحارالانوار، 90، ص 294.
 4. بحارالانوار، ج 94، ص 123.
 5. صهبای حج، ص 428.
 6. سوره انعام، آیه 44 و 45.
 7. الامام علی (علیه السلام)، ص 140.
 8. کلیات سعدی، ص 1058.
 9. تفسیر نورالثقلین، ج 2، ص 552.
 10. اقبال الاعمال، ج 2، ص 74، مستدرک الوسائل، ج 10، ص 23 ؛ مفاتیح الجنان، اعمال روز عرفه.
 11. مصباح المتهجد، ص 583.
- نشریه پاسدار اسلام، دی 1384